

The Hadith of “anyone who saw me in dream....” in the view of Mystics

Reza Husseinifar *



Abstract:

Learned people, in addition to placing extreme importance on dream, show especial consideration for the famous Hadith of “one who saw me in dream....” to the extent that paying visit to the prophet in dream and receiving a content from him is as valid as (and even more valid than) common hadith with authentic proofs. The dimensions and necessities for accepting this Hadith is neglected in the works of Mystics. This has generated heavy ambiguities in this regard. Thus, in the current research, after explaining the position of this Hadith in the views of Mystics and underlining its necessities, it is answered why Satan is not permitted to enter into this kind of dream. Also, such an in-dream perception from the immaculate is compared with other kinds of dreams. Finally, worries and damages associated with trusting these dreams is briefly discussed which can lay the groundworks for conducting an in-detailed research aimed at reducing harms rather than denying the Hadith.

Keyword:

Hadith of “anyone who saw me in dream....” Gnosticism (Mysticism), Interpretation, Authenticity.



* Assistant Professor in Department of Islamic Theology, Shahid Chamran University

■ Husseinifar, R (2020). The Hadith of “anyone who saw me in dream....” in the view of Mystics. *Religious Anthropology*, 17 (44) 181-200

DOI: 10.22034/ra.2021.110722.2364

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
انسان پژوهی رای

قم، بلوار غدیر، بعد از دانشگاه قم
مجمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)
معاونت پژوهش، دفتر نشریات
کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۷۳۳
Web: www.raj.smc.ac.ir
E-Mail: ensanpajoohi@gmail.com
تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۲۴۴۲۴

حدیث «من رآنی...» در نگره عارفان

رضا حسینی فر*

چکیده

اهل معرفت افزون بر اهمیت فراوانی که برای رؤیا قائل اند، توجه ویژه‌ای به حدیث مشهور «من رآنی فی المنام...» نشان داده‌اند. تا آنجا که مشاهده پیامبر اکرم ﷺ در رؤیا و دریافت مطلبی از ایشان را همسنگ و بلکه بعضاً موثق‌تر از احادیث مصطلح سلسله سندی دانسته‌اند. در آثار عارفان و نیز پژوهش‌های عرفانی به ابعاد و لوازم فراوان پذیرش این حدیث توجه چندانی نشده و ابهامات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در این نوشتار، پس از تبیین جایگاه این حدیث در نگره عارفان و توجه به لوازم آن کوشیده‌ایم به چرایی ناممکن بودن تصرف شیطان در چنین رؤیاهایی پاسخ دهیم. همچنین، میان این گونه دریافت از معصوم با سایر گونه‌ها مقایسه‌ای صورت گرفته و در نهایت، ضمن اشاره به آسیب‌ها و نگرانی‌های اعتماد به چنین رؤیاهایی، طرح بحث و ورودی اجمالی به مباحثی شده است که می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقی تفصیلی برای کاستن از آسیب‌ها، به جای نادیده‌انگاشتن حدیث شود.

کلیدواژه‌ها: حدیث «من رآنی...»، رؤیا، عرفان، تعبیر، حجیت.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز (RezaHoseinifar@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

مقدمه

در میان اندیشمندان مسلمان، وجود چند آیه صریح درباره رؤیا (یوسف: ۴، ۳۶ و ۴۳؛ صافات: ۱۰۲؛ فتح: ۲۷؛ اسراء: ۶۰) و نیز روایات پرشماری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۱۵۱-۲۴۴) که در تمام آنها جدی‌گرفتن رؤیا تأیید شده، موجب اهتمام جدی آنها به این مسئله شده است؛ مفسران، اهل حدیث، فقیهان، متکلمان، فیلسوفان، عارفان، جملگی به مناسبت، به این بحث وارد شده و دغدغه‌های خویش را دنبال کرده‌اند.

در این بین، قریب به اتفاق فقیهان، با نپذیرفتن حجیت مطلق رؤیا، البته در مباحث فقهی، و توجیه و حمل روایات مرتبط، موضع سلبی روشنی اتخاذ کرده و طبیعتاً از بحث درباره گونه‌های مختلف رؤیا، تعبیر رؤیا و ... و بررسی آن، خود را بی‌نیاز دانسته‌اند. هرچند برخی از فقیهان، قدم پیش‌تر نهاده و استفاده از رؤیا در سایر زمینه‌ها را نیز جایز ندانسته‌اند، که البته به دلیل خروج از محدوده علم فقه، بررسی ارزش رؤیا در سایر زمینه‌ها را باید به اهلش واگذاشت.

اما از نگاه عارفان، رؤیا به دلایلی که باید در جای خود به آن پرداخت، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ هرچند به اقتضای اهمیتش می‌بایست در آثار عرفانی مباحث مستقل و مستوفایی صورت می‌گرفت که چنین نشده است و بسیاری از مباحث مربوط به رؤیا، اجمالاً، آن هم به مناسبت و در اثنای سایر مباحث مطرح شده است.

در آثار عرفانی به اعتبارهای مختلف، تقسیمات مختلفی برای رؤیا صورت گرفته است؛ رؤیا از نظر محتوا، به رؤیای صادقه، رؤیای نیازمند تعبیر و خواب‌های پریشان تقسیم می‌شود. از نظر مبدأ و صادرکننده خواب، به خواب‌های رحمانی، نفسانی و شیطانی تقسیم می‌شود. از نظر بیننده رؤیا هم، که نبی یا ولی دین باشد یا سالک یا شخص عادی و ... تقسیمات دیگری دارد.

از جمله این تقسیمات، تقسیم رؤیاها با توجه به شخص یا چیزی است که در خواب دیده می‌شود. در آثار عارفان، نمونه‌های پرشماری یافت می‌شود که از دیدن پیامبر اکرم ﷺ یا یکی از انبیا یا اولیای الهی در عالم رؤیا سخن گفته و به دلیل قداست شخصی که در رؤیا دیده شده است، مضمون رؤیا را کاملاً جدی گرفته و بدان عمل کرده‌اند و در مقام بیان دلیل استناد خویش، به روایاتی با این مضمون مشترک استناد کرده‌اند که: «من رأنی فی المنام فقد رأنی؛ فان الشیطان لا یتمثل بصورتی» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۵۸۴-۵۸۵؛ النیشابوری، بی‌تا، ج ۷: ۵۴)؛ مطابق این حدیث، اگر کسی

پیامبر اکرم ﷺ را در رؤیای خویش ببیند و از او سخنی بشنود یا دریافتی داشته باشد، چنین رؤیایی صادق است، زیرا شیطان توان و اجازه چنین تصرفاتی را ندارد. رسالت این نوشتار، تبیین نگاه و نیز بهره‌هایی است که عرفا از روایات «من رأنی ...» برده‌اند.

۱. اهمیت عالم رؤیا از منظر عارفان

می‌دانیم که عارفان، یکی از مهم‌ترین اهداف میانی خویش را رهایی از تعلقات مادی و راه‌یابی به جهان معنا می‌دانند و در این مسیر، رؤیا به عنوان یکی از راه‌های رهایی، اهمیت ممتازی دارد؛ زیرا در فرآیند خواب، با کم‌شدن پیوستگی روح آدمی با بدن و اشتغالات عالم ماده، به صورت طبیعی گسست از ماده و فراغت روح حاصل می‌شود که می‌تواند به مدد آن، با برخی حقایق عالم مثال و فوق آن ارتباط برقرار کند (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۵۳). به گفته ملاصدرا، رؤیا نخستین مرتبه از مراتب آخرت و نوعی بازگشت به آخرت است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۳۵). این فراغت و مشاهده نظیر همانی است که عارفان با ریاضت و تلاش فراوان، به صورت خودآگاه آن را از طریق خلوت و تصفیه و ... حاصل می‌کنند و به درک عالم مثال و فوق آن نائل می‌شوند.

از منظر اهل معرفت، حتی رؤیاهایی که از آنها به «خواب‌های پریشان» یا به تعبیر قرآن، «اضغاث احلام» (یوسف: ۴۴) یاد می‌شود نیز پیام روشنی دارد؛ زیرا روح آدمی در فضای رهایی از تعلقات مادی، به مرتبه و وضعیت فعلی خویش نظر می‌کند و حاصل مشاهداتش را در قالب رؤیا ارائه می‌دهد؛ به همین دلیل، خواب‌های پریشان، گویای ذهن آشفته و پریشان شخص است و چنین رؤیاهایی می‌تواند پیام‌رسان چنین حالاتی باشد. غزالی حتی درباره سالکانی که در محضر پیری راهبر قرار دارند می‌گوید همه اضطراب‌ها و خلجان‌های خیال را نمی‌توان مهار کرد و اغلب اضطراب‌ها و شلوغی‌های بیداری، خود را در خواب نشان می‌دهند. وی در ادامه از سالکی می‌گوید که در خواب با شیخ خود مجادله‌ای کرده بود و شیخ، پس از شنیدن این رؤیا یک ماه او را نپذیرفت و با او سخن نگفت و دلیلش را چنین مطرح کرده بود: «اگر در باطن تو تجویز مطالبت و انکار آنچه گویم نبود، در خواب آن بر زبانت نرفت» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۰۴).

همین مسئله موجب شده است مقوله رؤیا و تعبیر و نیز نقل رؤیای سالکان و راه‌یافتگان، در نگره عارفان اهمیت فراوان داشته باشد، تا جایی که آن را با مکاشفه و مرتبه پایین‌تری از آن

مقایسه‌پذیر دانسته‌اند. مثلاً قشیری این بحث را در کنار کرامات آورده است (قشیری، ۱۳۷۴: ۶۹۶-۷۲۱). نجم‌الدین رازی، در ضمن بیان برخی وقایع غیبی، تفاوت واقعه با رؤیا را تبیین می‌کند (رازی، ۱۳۲۲: ۱۴۴-۱۴۸) و نسفی در *الانسان الکامل*، وحی، الهام و رؤیا را در کنار هم ذکر می‌کند (نسفی، ۱۳۸۶: ۲۵۳-۲۶۳).

ابن عربی معتقد است خداوند، رؤیا را فقط به این دلیل آفرید که همگان درکی از حضرت خیال داشته باشند؛ زیرا به باور او، از طریق رؤیا به عالم مجرد خیال پی می‌بریم؛ عالمی که در عین تجرد، قالب محسوس دارد (ابن عربی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۹۸). وی درباره اهمیت برخی رؤیاها می‌گوید: «گاه آدمی در عالم رؤیا چیزهایی را رؤیت می‌کند که فرد مکاشف در حالت مکاشفه و فرد میت، پس از مرگ و کناررفتن پرده‌ها می‌یابد» (همان، ج ۱: ۳۰۵).

این اهتمام عرفا و صوفیه توجه برخی پژوهشگران عرفان را نیز به مقوله رؤیا در نگره عارفان جلب کرده است تا به گردآوری و نیز تحلیل نگاه‌ها بپردازند (نک: رضایی، ۱۳۹۴). با این حال، برخی از رؤیاها در نظر اهل معرفت ویژگی ممتازی دارد و محل توجه ویژه آنها بوده است. رؤیت پیامبر اکرم ﷺ یا یکی از معصومان در رؤیا، از مهم‌ترین آنها است. بخشی از این اهمیت از آن رو است که مطابق حدیث «من رأی ...» چنین رؤیاهایی خطاناپذیر و برای شیاطین تصرف‌ناپذیر شمرده شده است.

۲. حدیث «من رأی» از منظر عارفان

چنان‌که اشاره شد، برخلاف قریب به اتفاق محدثان و فقها که به روایات رؤیت به دیده تردید نگریسته‌اند یا مضمون آن را توجیه و تأویل کرده‌اند (نک: علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۲: ۳۹۴-۳۹۵؛ کراچی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶۳-۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۲۱۱-۲۱۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۷: ۳۷۷-۳۸۰)، اهل معرفت به این روایات توجه نشان داده و ضمن تأیید سندی و محتوایی، در تأیید بسیاری از رؤیاها به آن استناد کرده و از پیام‌ها و دریافت‌های به دست آمده از چنین رؤیاهایی، بهره‌های فراوان برده‌اند.

بر اساس اصطلاحات علم‌الحدیثی می‌توان ادعا کرد که شهرت فراوان این روایات در میان عارفان، موجب اطمینان به صحت این نقل و تلقی به قبول آن شده است؛ چنان‌که در فقه نیز، نسبت به برخی روایات چنین عمل می‌شود (نک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵: ۳۹۰). به علاوه، در میان عرفا، راجع به این حدیث، ادعای اجماع نیز شده است: «علم أن رؤیة المصطفی ﷺ مناماً مجمع علیها بنصّ

الأحادیث» (سلمی، ۱۴۱۴: ۶۰) و کثرت استفاده از این روایت و عمل به محتوای آن در آثار عرفانی، خود گواه مقبولیت، اشتها و حتی اجماعی بودن آن است. از باب نمونه، عزیزالدین نسفی درباره عمل به یکی از همین رؤیایها می‌گوید:

شبی پیغمبر ﷺ را دیدم. فرمود که یا عزیز! دیو اعدوخوان را و شیطان لاحولخوان را می‌دانی؟ گفتم: نه یا رسول‌الله. فرمود که فلان دیو اعدوخوان است و فلان شیطان لاحولخوان است، از ایشان برحذر باش. هر دو را می‌شناختم و با ایشان صحبت می‌داشتم؛ ترک صحبت ایشان کردم (نسفی، ۱۳۸۶: ۳۸۲-۳۸۳).

همچنین، در ماجرای که ابن عربی درباره حضرت ابراهیم ﷺ و ذبح فرزندش مطرح می‌کند و آن را به حضرت اسحاق ﷺ تطبیق می‌دهد، اتباع ابن عربی، از جمله قیصری، ضمن تصدیق این حقیقت که ابراهیم مأمور به ذبح اسماعیل بود و نه اسحاق، معتقدند ابن عربی، مأمور است و معذور! و دلیل این مأموریت و معذوریت را مطلبی می‌دانند که ابن عربی در ابتدای کتاب فصوص درباره این کتاب ذکر می‌کند (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۰۶). صرف نظر از درستی یا نادرستی این برداشت و توجیه، تعبد به این رؤیا، گویای توجه آنها به احادیثی است که در عالم مکاشفه یا رؤیا دریافت می‌شود.

غزالی نیز در بحث راجع به خواب‌های کاشف از حال اموات می‌گوید:

و اکنون باید که یاد کنیم از خواب‌هایی که کاشف احوال مردگان باشد ... چه نبوت رفته است و مبشرات مانده، و آن جز خواب‌ها نیست. و از این است خواب‌های پیغمبر ﷺ. و پیغمبر گفت: من رأی فی المنام فقد رأی، فان الشیطان لا یتمثل بی (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۸۹۵).

از نظر اهل معرفت، ادله حجیت این احادیث، چنان اطمینان‌بخش است که نه تنها در مباحث عرفانی، بلکه حتی در پاره‌ای مباحث فقهی، طبق آن فتوا داده یا فتوای پیشین خود را تغییر داده‌اند. چنان‌که ابن عربی با کمال صراحت، در چندین جای مختلف، از رؤیایهایی که مبنای فتوا یا تغییر فتوای ایشان شده سخن گفته است. مثلاً وی با وجود آنکه به صحت نماز میت در مسجد قائل بوده، پس از آنکه در عالم رؤیا، پیامبر اکرم ﷺ از دخول جنازه در مسجد و نماز بر آن منع کرد، فتوایش را تغییر می‌دهد و حجت این تغییر را روایت مشهور «من رأی ...» ذکر می‌کند (ابن عربی، ۱۹۹۴، ج ۸: ۱۲۲). وی در موضوعی دیگر، ضمن بیان اختلاف آرا در مشروع بودن طواف پس از نماز صبح و عصر، با تغییری در مبنای گذشته، آن را جایز می‌داند و در بیان دلیل، به

حدیثی که از پیامبر اکرم ﷺ در خواب دریافت کرده استناد می‌کند. البته وی در ادامه، از دو حدیث نسائی و ابودر به عنوان معاضد رؤیای خود استفاده می‌کند (همان، ج ۱۰: ۳۳۱).

۳. اختصاص نداشتن حدیث رؤیت به پیامبر اکرم ﷺ

اگرچه مضمون مشترک همه احادیث رؤیت، در منابع شیعی و اهل سنت، رؤیت پیامبر اکرم ﷺ در رؤیا است، با این حال از برخی روایات و نیز کلمات بزرگان عرفان استفاده می‌شود که این حکم برای انبیای الهی، ائمه ﷺ، ملائکه و حتی مؤمنان خاص نیز ثابت شده است و شیطان امکان تصرف در تمثیل آنها را نیز ندارد. مثلاً در روایتی از امام رضا ﷺ پیامبر اکرم ﷺ به ناممکن بودن تمثیل شیطان به صورت اهل بیت ﷺ و نیز برخی از مؤمنان خاص نیز سخن گفته‌اند: عن مولانا الرضا ﷺ أنه قال: لقد حدثني أبي عن جدِّي عن أبيه (أن رسول الله) قال: من رآني في منامه فقد رآني لأنَّ الشيطان لا يتمثل في صورتی و لا في صورة أحد من أوصیائي و لا في صورة أحد من شيعتهم فإنَّ الرؤيا الصادقة جزء من سبعین جزء من النبوة (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۵۸۴-۵۸۵).

قاضی سعید قمی با بهره‌گیری از روایات شیعی، یگانگی آنها در وجود نورانی و علم و سایر کمالات را دلیل تعمیم حکم می‌داند و به همین دلیل معتقد است هر حکمی که برای پیامبر اکرم ﷺ جاری باشد، برای اهل بیت ﷺ نیز جاری خواهد بود (قمی، ۱۳۷۹: ۳۸۹). وی همچنین، برخی شیعیان را نیز شامل این تعمیم می‌داند؛ با این بیان که مطابق برخی روایات، ارواح شیعیان از طینت اهل بیت ﷺ، یعنی از ملکوت اعلا و عرش الهی است و به دلیل ملکوتی بودنشان شیطان بر آنها سلطه‌ای ندارد (همان: ۳۹۰). وی در جایی دیگر، با بهره‌گیری از دلیلی که برای این عصمت مطرح می‌کند، سایر انبیا و ملائکه را نیز شامل این مصونیت و ناممکن بودن تصرف شیطان در آنها می‌داند (همان: ۱۲۹).

۴. چرایی ناممکن بودن تصرف شیطان در تمثلات برخی افراد

اگرچه می‌توان مضمون روایات رؤیت را تعبداً پذیرفت و به مفادش باور داشت، اما با توجه به ظرفیت‌های عرفان و نیز به دلیل مخالفت‌های فراوان غیرعارفان با مضمون این روایات، بعضی از اهل معرفت چرایی و چگونگی منع شیطان از چنین تصرفاتی را توضیح داده‌اند. با مراجعه به سخنان عرفا در این زمینه، می‌توان به سه گونه پاسخ، که جمع‌پذیرند، دست یافت:

۱. برخی از عرفا معتقدند جنبه‌های استعلایی و برتر خلقت پیامبر اکرم ﷺ و معصومان ﷺ مانعی تکوینی برای راه‌یابی شیطان به آن ساحت و در نتیجه تمثل و شبیه‌سازی چهره آن حضرات در بیداری و رؤیا می‌شود. مثلاً قاضی سعید قمی معتقد است مطابق روایات و براهین فراوان، طینت معصومان از سنخ عوالم فوقانی و اعلا علیین است و به همین دلیل شیطان توان تصرف در صورت آنها را ندارد؛ زیرا «لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی رهیم یتوکون» (نحل: ۹۹). این سخن درباره برخی از خواص مؤمنان نیز صادق است، چنان‌که در آیه‌ای (ص: ۸۳) صراحتاً از قدرت‌نداشتن شیطان برای راه‌یابی به حریم «مخلصین» خبر داده است (قمی، ۱۳۷۹: ۳۹۰-۳۹۱).
- توضیح آنکه، وی رؤیا را از منظر خاستگاهش دو قسم می‌داند: رؤیاهایی که خاستگاهشان مبادی عالیه و عوالم عقلی و فوق آن باشد، و قسم دوم رؤیاهایی که خاستگاهشان عالم خیال است. رؤیاهای با خاستگاه خیالی نیز دو گونه‌اند: گاهی خیال، به دلیل صفا و طهارتش این امکان را می‌یابد که داده‌ها و مبادی رؤیا را از عوالم مجرد و فوقانی دریافت کند؛ گاه نیز با بهره‌گیری از قوای حسی، مبادی و داده‌های خود را از همان عالم مادی دریافت می‌کند. شیطان فقط در قسم اخیر که به عالم ملک و ماده مربوط است می‌تواند تصرف داشته باشد و به همین دلیل چنین رؤیاهایی به دلیل امکان و احتمال تصرف شیطان، در خور اعتماد نیستند. اما دو قسم دیگر، به دلیل ناممکن بودن تصرف شیطان، در خور اعتمادند و رؤیای صادقه به حساب می‌آیند (همان: ۳۸۸). ابن‌ترکه نیز احاطه و شمول وجودی پیامبر و اوصیایش را دلیل این مصونیت می‌داند (ابن‌ترکه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۵۵).
۲. برخی دیگر از عرفا تصرف‌نکردن شیطان در چنین رؤیاهایی را با توضیح نظام حکومت اسمائی مرتبط دانسته‌اند. مثلاً جندی در مقام اقامه دلیل حجیت می‌گوید شیطان نمی‌تواند به صورت اسم شریف «هادی» یا اسم جامع محیطی که تجلی به صورت هدایت دارد (که همان رسول خدا ﷺ است) ظهور و تجلی یابد؛ زیرا شیطان که مظهر ضلالت است نمی‌تواند به صورت ضد یا نقیض خویش درآید؛ و این عصمتی است که خداوند برای رایی در نظر گرفته است؛ در غیر این صورت، انقلاب حقایق ممکن می‌شد و اصول به نابودی می‌گرایید و اندیشه‌ها منحرف می‌گشت. وی در ادامه، این بحث را از لباب تحقیق و از اسراری می‌داند که رازهای فراوانی با خود دارد و چنین مطلبی با قدم اندیشه و نظر دست‌یافتنی نیست و فقط با کشف و تأیید الاهی درک

می‌شود. جندی بر همین مبنا معتقد است درباره رؤیت حق تعالی در خواب، چنین عصمتی وجود ندارد و شیطان می‌تواند تمثیل ربوبی یابد یا ادعای ربوبیت و الوهیت کند؛ زیرا حق تعالی و اسم شریف «الله» به دلیل جامعیت، هم «هادی» است و هم «مضل» و چون شیطان مظهر ضلالت است می‌تواند به صورت رب خویش، یعنی حق تعالی تمثیل یابد (جندی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۲۱-۱۲۲).

اما جالب آنکه عبدالرزاق کاشانی در تأویلات،^۱ با بهره‌گیری از همین نظام اسمائی، نظر کاملاً متفاوتی را بیان می‌کند؛ به نظر وی، شیطان این امکان را دارد که به صورت همه اسماء الاهی درآید و در آنها متمثل شود؛ حتی اسم «هادی» و «علیم» و «قدیر»، و در این زمینه فقط اسم جامع «الله» استثنا شده است و چون پیامبر اکرم ﷺ مظهر و فانی در اسم جامع الاهی است، تمثیل در صورت آن حضرت برای شیطان مقدور نیست (کاشانی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۷۲-۴۷۳).

روشن است که سخن کاشانی از دو نظر با جندی تفاوت اساسی دارد: نخست آنکه، برخلاف نظر جندی، کاشانی معتقد است شیطان امکان تمثیل به صورت اسمائی چون «هادی» را، که مخالف یا حتی متضاد اسم «ضال» هستند نیز دارد؛ دوم آنکه، از منظر کاشانی، شیطان امکان تمثیل به صورت حق تعالی را ندارد، در حالی که به باور جندی چنین منعی برای شیطان وجود ندارد. تفاوت اساسی این دو نگاه در این است که جندی معتقد است شیطان می‌تواند به رب خویش، که سمت جامعیت دارد، تمثیل پیدا کند؛ در حالی که در نقطه مقابل، کاشانی معتقد است تنها محدودیت شیطان، تمثیل به اسم جامع الاهی و مظهر آن، یعنی حضرت رسول است و نسبت به سایر اسماء محاط، محدودیتی ندارد.

۳. به باور برخی از عرفا، ناممکن بودن تصرف شیطان به دلیل ممانعت الاهی از چنین تصرفاتی است؛ همان‌گونه که در سوره صافات (الصفات: ۱۰) شهاب‌هایی از نفوذ شیاطین به عالم غیب و کسب اخبار غیب ممانعت می‌کنند. ابن عربی دلیل قدرت‌نداشتن شیطان بر چنین تمثیلی را عصمتی می‌داند که خداوند برای بیننده رؤیا قرار داده است؛ به همین دلیل وی با قطع می‌گوید: پس او محمد ﷺ است که روحش در صورتی جسدی دیده می‌شود ... پس هر که او را با همان صورت دید، همه اوامر و نواهی او را فراگیرد، یا همچون حیات دنیوی آن حضرت،

۱. می‌دانیم کتابی که با عنوان تفسیر ابن عربی مشهور است در واقع تأویلات القرآن اثر عبدالرزاق کاشانی، از شاگردان بزرگ مکتب ابن عربی، است.

با توجه به نص، ظاهر، اجمال و ... که مربوط به دلالت الفاظ است، از اخبار آن حضرت بهره گیرد (ابن عربی، ۱۹۴۶، ج ۱: ۸۷).

۵. چیستی واقعیت مشاهده شده

از جمله مباحثی که اهل معرفت برای توضیح احادیث رؤیت به آن توجه کرده‌اند، چیستی واقعیت مشاهده شده است و اینکه شخص مشاهده‌گر، در عالم رؤیا با چه شأن و مرتبه‌ای از معصوم مواجه می‌شود. روشن است که آنچه مشاهده شده جسم مادی معصوم علیه السلام نیست و شاید جز برخی سطحی‌نگران مخالف احادیث «من رأی ...» که حتی وجود چهره و حیات برزخی را نیز برنمی‌تابند، نمی‌توان قائلی برای چنین سخنی یافت. با این حال، ابن عربی به این مطلب بدیهی چنین اشاره می‌کند: «و قد علم أن صورة النبي التي شاهدها الحسن أنها في المدينة مدفونة»؛ و چنان که جندی در توضیح کلام شیخ می‌گوید، صورت عنصری حسی در مدینه مدفون است و کسی نمی‌تواند آن را ببیند (جندی، ۱۴۲۳: ۳۸۵).

برخی از اهل معرفت گفته‌اند صاحب رؤیا، در حقیقت روح معصوم علیه السلام را مشاهده می‌کند و دلیل ناممکن بودن تصرف شیطان را نیز همین موضوع می‌دانند؛ زیرا اگر بنا بود صورت معصوم را ملاحظه کنند، امکان تصرف خیال و تمثل وجود داشت؛ زیرا قوه خیال و تمثیل آدمی هنگام دیدن صورت دخالت می‌کنند اما هنگام رؤیت روح چنین دخالتی وجود ندارد (بقلی شیرازی، ۱۴۲۸: ۲۴).

اما از سوی دیگر، احادیث مربوط به حقیقت نورانی معصومان علیهم السلام (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶: ۱-۱۷) و سخنان بزرگان عرفان درباره عظمت روحی آنها و آنچه درباره جایگاه انسان کامل و خلیفه الاهی گفته‌اند، ما را از این گمان که تشریف مشاهده‌گر در عالم رؤیا، به محضر روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام است، برحذر می‌دارد؛ زیرا توجه به سعه وجودی و احاطی و نیز جامعیت آن حضرات، مانع از پذیرش امکان چنین تشریفی خواهد بود. همین سخن درباره وجود مثالی و برزخی معصومان علیهم السلام نیز صادق است؛ بلکه چنان که جندی متذکر شده درباره همه ارواح، سخن همین است (جندی، ۱۴۲۳: ۳۸۵).

از کلمات اهل معرفت استفاده می‌شود که آنها با تمایز قائل شدن میان جسم مادی انسان و جسد او، جسد را امری مثالی می‌دانند که به گونه‌ای، سمت برزخیت میان حقیقت مثالی انسان و وجود مادی او دارد. از این‌رو، در عین دارا بودن احکام عالم مثال، دارای برخی اوصاف مادی،

همچون شکل، وضع و ... است. به باور عارفان، در چنین رؤیاهایی، وجود مثالی آن حضرات، تجسد می‌یابد و در واقع شخص مشاهده‌گر، با تجسد برزخی آنها مواجه می‌شود: «فیتجسد للرائی روح النبی فی المنام بصورة جسده؛ یعنی بصورة مثالیة شبيهة بصورة جسده» (همان). با این توصیف، تعبیر «صورت» برای آنچه در رؤیا دیده می‌شود صحیح است، اما باید توجه داشت که حقیقت این «صورت»، همان حقیقت نوریه عقلیه‌ای است که متلبس به لباس‌های ملکوتی شده است (قمی، ۱۳۷۹: ۳۸۹) و با این توضیح، امکان تجسدهای فراوان و موازی و حضور در رؤیای افراد مختلف در زمان واحد، و نیز بحث بُعد مکانی و ... مشاهده‌گران، به آسانی حل‌شدنی خواهد بود.

اما در اینجا یک نکته مهم باقی می‌ماند: این صورت تمثلی یافته تا چه میزان باید با صورت جسمانی معصومان علیهم‌السلام در زمان حیات ظاهریشان مطابقت داشته باشد؟ به دیگر سخن، رؤیت معصوم با چه شرایط و شماییلی باید صورت گیرد تا شیطان امکان تصرف نداشته باشد؟ مثلاً اگر خصوصیات یا بعضی خصوصیات معصوم با آنچه در منابع آمده مطابقت نداشته باشد آیا به چنین رؤیایی می‌توان اعتماد کرد؟ همچنین، آیا صرف باور صاحب رؤیا بر رؤیت معصوم می‌تواند مجوزی برای اعتماد به رؤیا باشد؟

باید اعتراف کرد که از کلمات عرفا نمی‌توان به مبنای روشن و قابل دفاعی دست یافت و سخنان عرفا در این زمینه متفاوت و مبهم است؛ افزون بر آنکه متأسفانه در این خصوص نیز بحث مستوفا و مستقلی صورت نگرفته و فقط برخی از عرفا به مناسبت و به صورت پراکنده در این زمینه اشاراتی داشته‌اند. با این حال می‌کوشیم با توجه به کلمات عرفا به جمع‌بندی روشنی در این خصوص دست یابیم.

برخی از عرفان‌پژوهان معاصر، با نگاهی سخت‌گیرانه، پس از پذیرش اصل روایت، تحقق چنین رؤیایی را فقط برای اصحاب آن حضرات ممکن می‌دانند و دیگران را در این زمینه محروم می‌شمارند. عبارت ایشان، که حاشیه‌ای بر کلام ابن عربی است، چنین است: «والعلم بجسده الواقعی یختص بمن رأى جسده الظاهر فی زمان حیاته الظاهرية. و یمكن للشیطان أن یتصور بصورة غیر جسد النبی، علیه السلام، و رآه النائم و زعم أنه جسد النبی» (نک: قیصری، ۱۳۷۵: ۶۲۳).

اما چنین نگاهی، حتی اگر از اهل سنت یا مخالفان عرفان پذیرفته باشد، از اهل عرفان و نیز معتقدان به اهل بیت علیهم‌السلام جای شگفتی دارد. زیرا از سویی، چنان‌که در تحقیقی دیگر به تفصیل

گفته‌ایم،^۱ از جمله احادیث رؤیت، حدیث صحیح‌السندی از امام رضا^{علیه السلام} است که در آن، رؤیت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در رؤیا همچون رؤیت ایشان در بیداری دانسته شده و روشن است که زمان حیات حضرت رضا (۱۴۸-۲۰۳ ه.ق.) نه تنها صحابه، بلکه تابعان رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} نیز در قید حیات نبوده‌اند.

نیز چنین پاسخی با حکمت روایات و روح کلام ابن‌عربی ناسازگار است؛ زیرا چنان‌که از سخن ابن‌عربی برمی‌آید، این حریم معصومانه برای آن است که علاقه و عشق مؤمنان به آن حضرات، موجب انحراف آنان نشود، نه اینکه به دلیل احترامی که خدا برای چهره و جسد اولیایش قائل است، از تجسد شیطان به آن صورت‌ها ممانعت می‌کند! چنان‌که ابن‌ترکه نیز به این نکته اشاره داشته است:

او مظهر هدایت تامه و خاتم راهنمایان خاصه و عامه به طریق حق است؛ پس اگر بیننده رؤیا در آنچه دیده معصوم نباشد و این امکان برای شیطان باشد که به آن صورت درآید، در این صورت هیچ کدام از آن شرایط هدایت محقق نخواهد شد (ابن‌ترکه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۵۷).

پاسخ دیگر اینکه، به باور اهل معرفت، حدیث رؤیت، سازگار و بلکه منطبق با مبانی عرفانی است و هر یک از دلایل این مصونیت را که بپذیریم، برای شیطان امکان چنین تصرفاتی وجود ندارد و این سخن که چون شخص رائی، تصویری از چهره پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} ندارد، امکان صورت‌نگری برای شیطان فراهم است، بی‌توجهی به اصول و مبانی عرفانی درباره حیطه تصرفات شیطان است. صرف نظر از چنین نگاه سخت‌گیرانه‌ای، می‌دانیم در برخی روایات یا منابع تاریخی، به اوصاف ظاهری و شمایل معصومان^{علیهم السلام} اشاره شده است، در مقام مقایسه میان چهره معصوم در حیات ظاهری و آنچه در رؤیا دیده شده است، با فرض مطابقت، حجیت چنین رؤیایی در میان اهل معرفت، اختلافی نیست. اما اگر تفاوتی میان این دو باشد، سه حالت، بلکه قول وجود دارد:

۱. صاحب رؤیا باید صورت آن حضرت را در همان شمایی که در آثار توصیف شده است، رؤیت کند و اگر جز این باشد، امکان تصرف شیطان در آن چهره وجود دارد و طبیعتاً چنین رؤیایی در خور اعتماد نیست؛ چنان‌که از برخی گفته‌های ابن‌عربی تمایل به این نظر برمی‌آید (ابن‌عربی، ۱۹۴۶، ج ۱: ۸۷).

۱. مقاله‌ای «بررسی سندی و دلالتی حدیث من رأی ...» در نوبت چاپ مجله حدیث پژوهی دانشگاه کاشان.

۲. مطابقت‌داشتن یا نداشتن با چهره معصوم تأثیری در اعتبار رؤیا نداشته باشد و هر دو از حجیت یکسانی برخوردار باشند و همین که شخص رائی، در عالم رؤیا خود را در محضر معصومان علیهم‌السلام می‌داند کفایت کند.

۳. در این زمینه قائل به گونه‌ای تفصیل باشیم؛ با این توضیح که در هر صورت، رؤیا شیطانی نیست اما تفاوت این دو گونه رؤیا در اعتبارسنجی روایت در مقایسه با سایر ادله نقلی و عقلی و نیز اموری چون نیازمندی به تعبیر است؛ اگر چهره معصوم را با همان اوصاف ببیند، محتوای این رؤیا به عنوان حدیث، اعتبار بسیار دارد و نیاز به تعبیر هم ندارد؛ اما اگر با چهره دیگری یا بدون تشخیص چهره دیده شود، چنین رؤیایی به دلیل احتمال تصرفات خیال، اعتبار کمتری دارد و چه بسا نیازمند تعبیر باشد (گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۶: ۳۷۹).

بنابراین، مصونیتی که در احادیث رؤیت وجود دارد، مقید به مطابقت همه خصوصیات یا لزوماً تشخیص دقیق چهره معصوم نیست و ادله صیانت و اذن‌نداشتن شیطان برای چنین صورتگری‌هایی عمومیت دارد.

اما در این زمینه، ذکر نکته‌ای ضروری است. صاحب رؤیا باید در همان عالم خواب، باور به شرف خدمت معصوم داشته باشد، نه اینکه پس از بیداری، شخصی را که در خواب دیده است، منطبق بر معصوم بداند؛ زیرا از سویی مضمون احادیث رؤیت، حکم به صحت مشاهده، مشروط بر مسلم‌بودن مشاهده در رؤیا است و کسی که در رؤیا باور به چنین مشاهده‌ای نداشته است، موضوع احادیث رؤیت نیست. از سوی دیگر، با خروج از رؤیا و عالم مثال و ورود به عالم ماده، زمینه تصرفات شیطانی و نیز تسویلات نفسانی فراهم خواهد شد و ادله نقلی، عقلی و شهودی، بر صحت و سلامت چنین باورهایی در عالم ملک وجود ندارد.

۶. دریافت حدیث در رؤیا و مقایسه آن با سایر انواع حدیث

نکته مهم آنکه عارفان، به دلیل اعتماد به حدیث «من رآنی ...» به لوازم آن نیز کاملاً پای‌بند بوده‌اند؛ از این‌رو، قول یا فعل دریافت‌شده از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا معصومان علیهم‌السلام در رؤیا را «به منزله حدیث» و به عبارت دقیق‌تر، «دقیقاً حدیث» می‌شمرند. بنابراین، باید به این پرسش مهم پاسخ

گفت که در این صورت، احادیث دریافت‌شده در رؤیا، در مقایسه با احادیث موجود در منابع، چه جایگاهی دارد؟ و در صورت تعارض روایات، اهمیت چنین روایاتی تا چه حد است؟ برخی از اهل معرفت، احادیثی را که از طریق مستقیم (مکاشفه یا رؤیا) دریافت می‌شود ارزشمندتر از احادیثی می‌دانند که از طریق سلسله سند به دست ما رسیده است؛ زیرا حتی با فرض اطمینان از ثقه‌بودن راویان، باز هم احتمال خطا در تشخیص وثاقت یا خطای در برداشت و نیز نقل راویان، مانع از اعتماد کامل به مضمون خواهد بود؛ در حالی که چنین مشکلاتی در دریافت مستقیم روایت وجود ندارد. بر این مبنا در صورت تعارض احادیث، اولویت با احادیثی است که از طریق مکاشفه و در درجه بعد، رؤیای صریح دریافت شده است (ابن عربی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۲۴؛ ج ۳: ۷۰).

در واقع، به باور عارفان، همان‌گونه که مشاهدات عرفانی یقین‌آور است و از این نظر، جایگاهی بسیار برتر از علوم نقلی و عقلی دارد، دریافت حدیث از طریق کشف یا رؤیای صادقانه، چنین جایگاهی دارد؛ تا آنجا که به باور ابن عربی، صاحب مکاشفه یا رؤیا، در ردیف صحابه پیامبر اکرم ﷺ و معصومان ﷺ قرار می‌گیرد؛ زیرا او نیز همچون صحابه، بی‌واسطه نقل حدیث کرده است (همان، ج ۳: ۵۰).

با این حال، نمی‌توان به تفاوت بسیار مهم و اثرگذاری که میان چنین رؤیاهایی با حضور در محضر معصومان ﷺ وجود دارد بی‌اعتنا بود؛ اینکه حتی با فرض قطعی‌الصدور بودن روایات در رؤیا، در دلالت چنین احادیثی تشکیکاتی وجود دارد؛ زیرا چه‌بسا این روایات نیازمند تعبیر باشد؛ چراکه رؤیا مربوط به عالم خیال است و گاه در برگرداندن آن به عالم محسوسات نیازمند تعبیر است و چنان‌که اهل معرفت اذعان دارند، اگر گاهی در رؤیاهای مربوط به معصومان ﷺ مطابق نبودن با واقعیت دیده می‌شود، این مشکلات مربوط به اصل رؤیا نیست، بلکه مربوط به خطای در تطبیق و تعبیر است (ابن عربی، ۱۹۴۶، ج ۱: ۸۷).

بنابراین، در چنین رؤیاهایی، افزون بر توجه به نص و ظاهر، مجمل و مبین و سایر دلالات لفظی، باید به حجیت ظاهر، یا حجیت تعبیر آن نیز توجه داشت؛ و روشن است که چنین تشخیصی، چندان ساده نیست؛ به‌ویژه آنکه به باور ابن عربی، حتی حضرت ابراهیم ﷺ نیز در ماجرای ذبح

فرزندش و در مقام تشخیص نیازمندی رؤیا به تعبیر، به اشتباه افتاد و به دلیل شدت محبت الهی، به ظاهر رؤیا اعتماد کرد، در حالی که آن رؤیا نیازمند تعبیر بود (همان، ج ۱: ۸۵).

با این توصیف، روشن است که برخلاف گفته ابن عربی (ابن عربی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۵۰) نمی‌توان بیننده خواب را همسان با صحابه پیامبر دانست و در مقام ارزش‌گذاری، آن را همسنگ با دریافت صحابه معصومان انگاشت. از سوی دیگر، به دلیل اینکه رؤیا مرتبه پایین‌تری نسبت به کشف دارد، طبیعتاً احادیثی که از طریق رؤیا دریافت شده، از احادیث کشفی نیز رتبه پایین‌تری دارد (همان، ج ۳: ۵۰).

اما در مقام مقایسه این احادیث با احادیثی که از طریق سلسله سند به ما رسیده است، نمی‌توان به حکمی کلی دست یافت و باید با توجه به سند و دلالت احادیث از یک سو، و محتوا و شرایط رایی و متن رؤیا از سوی دیگر و از سوم سوی، مطابقت و هماهنگی محتوای هر یک با ادله عقلی و نقلی، میان گونه‌های حدیث داوری کرد، هر چند نتوان به جمع‌بندی مطلوب و حکمی کلی در این زمینه دست یافت؛ به‌ویژه اینکه اهل معرفت نیز وارد چنین میدانی نشده‌اند و آنچه از منابع عرفانی به دست می‌آید جز چند عبارت موجز و برخی کلمات مبهم نیست.

۷. حجیت تشکیکی بر مبنای مرتبه سلوکی

افزون بر مباحث مهمی که در مقایسه میان احادیثی که در رؤیا دریافت می‌شود و سایر احادیث می‌توان مطرح کرد، به طور خاص در مباحث عرفانی، گونه‌ای حجیت تشکیکی را باید در این روایات پذیرفت. بازگشت این تشکیک به مرتبه سلوکی و مقام معنوی صاحب رؤیا است؛ مثلاً کسی که از هر نظر به پیامبر اکرم ﷺ اقتدا کرده و به بهترین وجه هدایت یافته و متابعت کامل در علم و عمل دارد و وارث آن حضرت به حساب می‌آید، تمام آنچه در حالت خواب، بیداری یا حالتی بین خواب و بیداری می‌بیند، نسبت به دیگران واضح‌تر و روشن‌تر و در نتیجه در خور اعتمادتر است، تا آنجا که می‌تواند صراحتاً بگوید: «پیامبر اکرم ﷺ را دیدم»، چنان‌که رؤیاهایی که از معصومان ﷺ نقل شده است این ویژگی را دارد. اما این صراحت و قطعیت مختص اولیای الهی و انسان‌های کامل است و دیگران به نسبت تقریبی که برایشان حاصل شده و منازل و مقاماتی که طی کرده‌اند، باید با

لحاظ کردن محدودیت‌های وجودی خویش، درباره چنین رؤیاهایی به صورت نسبی سخن بگویند و از جزمیت و قطعیت در انتساب بپرهیزند.

۸. آسیب‌شناسی پذیرش حجیت احادیث رؤیت

با وجود همه آنچه گذشت، نمی‌توان انکار کرد که پذیرش مضمون احادیث رؤیت در رؤیا و التزام به لوازم اولیه‌اش می‌تواند آسیب‌ها و نگرانی‌های فراوانی را موجب شود و بی‌شک همین نگرانی‌ها موجب شده است برخی از همان ابتدا، برخلاف اصول و ضوابط بررسی احادیث، کثرت و اعتبار سندی این احادیث را نادیده بینگارند و به فقدان حجیت حکم دهند. مهم‌ترین نگرانی‌ها و آسیب‌ها عبارت است از:

– تفاوت‌ها و تناقض‌های موجود در گزارش محتوای رؤیت: در عمل با گزارش‌های متضاد و متناقضی مواجهیم؛ اینکه برخی از محتواهای دریافت‌شده در رؤیا با برخی دیگر، همخوانی ندارد، بلکه معارض است و اگر بنا باشد همه این محتواها گونه‌ای حدیث دانسته شود طبیعتاً این تضادها و تناقض‌ها مشکل‌ساز خواهد شد. مثلاً کراچکی به نقل از استادش می‌گوید: این است که بینی یک شیعه می‌گوید: من رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که امیر مؤمنان علیه السلام به همراهش بود و به من فرمود: از او پیروی کن نه دیگری! و به من اعلام کرد که او است خلیفه پس از من و ابوبکر و عمر و عثمان ستمکار و دشمن اویند ... و آنگاه ناصبی را ببینی که می‌گوید: رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که همراهش ابوبکر و عمر و عثمان بودند و آن حضرت مرا به دوستیشان فرمان داد و از دشمنی‌شان نهی کرد و به من اعلام کرد که آنان یاران اویند در دنیا و آخرت ... و ناچار باید بدانی که یکی از دو خواب درست است و دیگری نادرست (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶۶).

– سوءاستفاده مخالفان، اهل نفسانیات و بدعت‌گذاران در نقل رؤیاهای ساختگی: این نگرانی عمیق وجود دارد که در صورت بازشدن راه چنین دریافت‌هایی و حجت‌دانستن آن، زمینه ظهور و بروز ادعاهای فریبکارانه متعددی فراهم شود و تناقضات و تضادها، موجب سردرگمی اهل ایمان گردد؛ چنان‌که در رؤیاهایی که افراد مختلف نقل کرده‌اند چنین چیزی دیده می‌شود. برخی از متعمقان معاصر نیز در حجیت‌نداشتن خواب در مباحث علمی و اعتقادی می‌نویسند:

شاید سرّش آن باشد که در آن صورت حدّ و مرزی برای رؤیا و مکاشفات عرفانی وجود نمی‌داشت و هر کس هر چه می‌خواست در عالم رؤیا می‌دید یا در عالم مکاشفه مشاهده می‌کرد؛ از امور ساده‌ای مثل اینکه فلانی باید فلان مبلغ را به فلان کس بدهد؛ فلانی باید فلانی را به عقد خود درآورد یا به عقد فلانی درآید یا ... گرفته تا امور مهمی مانند ادعای نیابت و سفارت از حضرت بقیه‌الله علیه السلام و ... در نتیجه بسیاری از امور، واجب و بسیاری دیگر حرام می‌شدند و الزامات و التزامات فراوانی پدید می‌آمدند و راهی برای نفی و اثبات آنها نبود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۱۴۱).

اگرچه این آسیب‌ها و نگرانی‌ها کاملاً بجا و بایسته توجه است، اما نمی‌توان و نباید برای رفعشان به پاک‌کردن صورت مسئله و نادیده‌انگاشتن احادیث رؤیت در رؤیا دست زد، بلکه باید همچون سایر احادیث، که دقیقاً همین دو احتمال درباره آنها نیز صادق است، به ضوابط و اصول متقن و مدونی دست یافت.

نخست آنکه توجه داشته باشیم که در نقل رؤیا نیز باید همچون نقل حدیث، از ثقه بودن ناقل اطمینان حاصل کرد؛ برخی از منتقدان محترم گویی در این مورد خاص با گشاده‌دستی تمام، سخن ثقه عدل امامی را با دیگران برابر دانسته و به همین دلیل قائل به چنین تعارضی شده‌اند! پرسش این است که با چه معیار و میزانی به صدق گزارش شخص غیرثقه و حتی به تعبیر ایشان «ناصبی»، از رؤیایی که دیده اعتماد شده است؟ و آیا می‌توان دلیلی اقامه کرد که اگرچه به نقل حدیث غیرثقه نمی‌توان اعتماد کرد، اما به نقل رؤیای چنین شخصی می‌توان اعتماد کرد؟ و چگونه است که در چنین مواردی تمام دقت‌هایی که برای راوی حدیث در نظر گرفته شده، گویی به فراموشی سپرده می‌شود؟

بعید است منتقدان محترم توجه نداشته باشند که همان‌گونه که انگیزه‌های فراوانی برای جعل حدیث وجود دارد، برای نقل رؤیاهای دروغین نیز وجود دارد، بلکه زمینه و انگیزه در این خصوص به مراتب بیشتر است؛ و به همین دلیل باید در این باره نیز تمام دقت‌های متعارف برای اطمینان از وثاقت شخص انجام پذیرد و روشن است که بر این مبنا، تعارض‌های پیش‌گفته رخ نخواهد داد.

دوم آنکه، می‌توان تفاوت معناداری میان معنای «حجیت» در علمی همچون فقه با مثلاً سیر و سلوک قائل شد؛ در فقه باید مبنا و بنای استدلال و استناد، قابلیت ارائه و ارزیابی داشته

باشد و روشن است که رؤیا، مکاشفه و ... چنین ویژگی‌ای ندارند. از این رو هر چند بپذیریم آنچه رؤیت شده برای شخص حجت باشد اما ممکن است بپذیریم که برای دیگران حجت‌آفرین نیست. دیگر نکته مهم آنکه برخی از اهل معرفت، ثمرات، لوازم و نتایجی را مبتنی بر روایات رؤیت می‌دانند که الزاماً صحیح نیست و باید به‌دقت ارزیابی شود. مثلاً در شرح *التعرف* با استناد به روایت رؤیت چنین آمده است:

آنچه پیغامبر در خواب به کسی دهد از طعام یا از شراب، آن از بهشت باشد ... پس هر که سید را در خواب ببیند به حقیقت او باشد. و رسول علیه السلام در بهشت است. هر چه دهد از بهشت دهد. پس چون آن طعام از بهشت بود، هر که طعام بهشت خورد او را نیز به طعام دنیا نیاز نباشد. از این معنا است که در تمامی این حکایت روایت آورده‌اند که این الجلاء چهل سال بزیست و او را طعام و شراب نبایست (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۷۸۱).

روشن است که هیچ یک از نتایجی که گویی از لوازم این روایت شمرده شده، قطعی به شمار نمی‌آید و امکان خدشه در همه آنها وجود دارد که به دلیل پرهیز از تطویل از توضیح آن صرف نظر می‌کنیم. افزون بر این، گزینه‌های اثرگذار دیگری نیز در این زمینه، به‌ویژه در عرفان، وجود دارد که در ارزش‌گذاری چنین روایاتی باید لحاظ شود و به‌دقت ارزیابی گردد؛ از جمله آنکه، به نظر می‌رسد برای شخص رائی، مراد یا مرید وی (اگر داشته باشد) و دیگرانی که چنین رابطه‌ای با وی ندارند، چنین روایاتی ارزش کاملاً متفاوتی خواهد داشت و با در نظر گرفتن مبانی مربوط به آن، می‌تواند مباحث دقیق و گسترده‌ای سامان یابد که از رسالت این تحقیق خارج است. معتقدان به احادیث رؤیت نیز به حجیت تمام نقل‌ها، از هر شخص و در هر موضوعی، قائل نیستند و در این زمینه تفاسیل فراوانی وجود دارد که پس از پذیرش اصل احادیث رؤیت در رؤیا و پرهیز از تأویل‌های نامناسب آن، باید به آن پرداخت و ابعاد این حجیت را کاوید.

جمع‌بندی

رؤیا در نگره عارفان به واسطه گستردگی از عالم ماده و ارتباط با عالم مثال اهمیت ویژه‌ای دارد. افزون بر اینکه مجموعه روایات «من رآنی فقد رآنی ...» که می‌توان آنها را در حد متواتر دانست، موجب توجه جدی عرفا به چنین رؤیاهایی شده است. توجه به آثار عرفانی گویای این حقیقت است که برخلاف متکلمان و فقها، اهل معرفت به این احادیث توجه ویژه‌ای نشان داده و به آن

استناد فراوانی کرده‌اند، تا آنجا که محتوای دریافت‌شده در عالم رؤیا را همچون حدیث، بلکه گونه‌ای حدیث دانسته‌اند.

پذیرش چنین جایگاهی برای رؤیت معصوم در رؤیا، پیامدها و لوازم فراوانی دارد که در منابع عرفانی به بسیاری از آنها پرداخته نشده و پژوهش در این زمینه را ضروری می‌کند. این نوشتار می‌تواند آغازی بر چنین پژوهش‌هایی باشد. اما مطابق یافته‌های این نوشتار:

- بر اساس ادله، پذیرش چنین رؤیاهایی منحصر به وجود پیامبر اکرم ﷺ نیست و اهل بیت علیهم‌السلام و سایر انبیای الهی را نیز شامل می‌شود.

- پس از پذیرش محتوای چنین رؤیاهایی به عنوان گونه‌ای حدیث، باید به این پرسش مهم پاسخ گفت که در مقام ارزش‌گذاری و احیاناً در صورت تعارض یا تخالف معنوی گونه‌های حدیثی، چنین احادیثی از چه درجه اهمیتی برخوردارند؟ به نظر می‌رسد این احادیث، پایین‌تر از احادیث کشفی قرار می‌گیرند اما با توجه به کلمات عرفا نمی‌توان همه احادیث در عالم رؤیا را بالاتر از احادیث سلسله‌سندی دانست و باید قائل به تفصیل شد. البته در آثار عارفان در این زمینه مطالب چندانی یافت نشد و باید مطابق مبانی و آموزه‌های عرفانی در این زمینه به بحثی اجتهادی با رویکردی عرفانی پرداخت.

- درباره چرایی ناتوانی شیطان از تمثل در قالب معصوم دلایلی ذکر کرده‌اند که در کلیت آن، جمع‌پذیرند؛ گو اینکه در برخی مباحث اساسی مانند قدرت شیطان بر تمثل در مقام ربوبی، اختلاف آرا تا حد تناقض نیز وجود دارد.

- آنچه در این زمینه بسیار مهم است آسیب‌شناسی پذیرش و حجت‌دانستن چنین رؤیاهایی است، تا در عین حال که روایات رؤیت‌نا دیده‌انگاشته نشود، زمینه سوءاستفاده و انحراف نیز فراهم نگردد. در این نوشتار گرچه به کلیاتی در این باره اشاره شد، اما همچنان نیازمند پژوهش بیشتر است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن ترکه، صائن الدین علی (۱۳۷۸)، *شرح فصوص الحکم*، قم: بیدار.
- ابن عربی، محیی الدین (۱۹۹۴)، *الفتوحات المکیه*، تصحیح: عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۹۲)، *الفتوحات المکیه*، قاهره: المكتبة العربیة.
- _____ (۱۹۴۶)، *فصوص الحکم*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- _____ (۱۳۷۰)، *کتاب المسائل*، ترجمه و تعلیقه: محمد دامادی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۴۲۸)، *المصباح فی مکاشفه بعث الارواح*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جندی، مؤید الدین (۱۴۲۳)، *شرح فصوص الحکم (الجندی)*، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *ادب فنای مفریان*، قم: اسراء، چاپ اول.
- رازی، نجم الدین (۱۳۲۲)، *مرصاد العباد*، تهران: بی‌نا.
- رضایی، احمد (۱۳۹۴)، «مقایسه خواب و رؤیا در متون حماسی و عرفانی»، در: *پژوهش‌های ادبی*، ش ۴۸، ص ۸۹-۱۱۸.
- سلمی، ابو عبد الرحمن محمد بن الحسین (۱۴۱۴)، *المقدمه فی التصوف: تسعة کتب فی اصول التصوف والزهد*، قم: الناشر للطباعة والنشر والتوزيع والاعلان.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳)، *شرح اصول الکافی*، تصحیح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸)، *امالی مرتضی*، قاهره: دار الفکر العربی.
- غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۶)، *ترجمه إحياء علوم الدین*، ترجمه: مؤیدالدین خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴)، *رساله قشیریه*، ترجمه: ابوعلی عثمانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۷۹)، *شرح الاربعین*، تهران: میراث مکتوب.
- قیصری، داود (۱۳۷۵)، *شرح فصوص الحکم*، تهران: علمی و فرهنگی.

- کاشانی، عبد الرزاق (۱۴۲۲)، *تفسیر ابن عربی: تأویلات عبد الرزاق کاشانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، *کنز الفوائد والتعجب*، قم: دار الذخائر، چاپ اول.
- گروهی از نویسندگان (۲۰۰۶)، *جمع المقال*، تحقیق: احمد فرید المزیدی، بریلی: دار الاسلامیة للطباعة والنشر.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲)، *شرح الکافی*، تهران: المکتبۃ الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳)، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تهران: اساطیر.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث.
- نسفی، عزیز الدین (۱۳۸۶)، *الانسان الکامل*، تهران: طهوری، چاپ هشتم.
- النیسابوری، مسلم ابن الحجاج (بی تا)، *صحیح مسلم (الجامع الصحیح)*، بیروت: دار الفکر.

